

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ایوان تارانکو*
برگردان: طلحه حسنی
۱۵ می ۲۰۲۵

اتحاد جماهیر شوروی-المان: نبرد دو اقتصاد



در سپیده‌دم یکشنبه ۲۲ جون ۱۹۴۱، در سراسر مرزهای غربی اتحاد جماهیر شوروی، حمله بی‌سابقه و باورنکردنی نیروهای المان نازی و متحدانش به خاک این کشور آغاز شد. مؤرخان و شبه‌مؤرخان که «خود را ستراتیژیست می‌پندارند و از دور شاهد نبرد بوده‌اند» درباره اشتباهات و محاسبات نادرست رهبری شوروی در زمان آماده‌سازی برای جنگ و در مرحله اولیه آن که منجر به شکست‌های جدی نظامی شد، بسیار گفته و نوشته‌اند. اما با این همه، نباید فراموش کرد که ضربه لشکرهای زرهی ورمخت المان به دلیل نزدیک به دو سال تجربه موفقیت‌آمیز در کشورهای غربی، نیروئی واقعاً باورنکردنی و اهریمنی بود. در این حمله، عملاً از تمام منابع اقتصادی صنایع نظامی و غیرنظامی نه تنها المان و کشورهای تابعه‌اش، بلکه همه کشورهای اروپائی که تا آن زمان اشغال شده بودند، استفاده شده بود.

و همه این‌ها علیه اقتصاد شوروی بود که پس از پشت سر گذاشتن پیامدهای مخرب جنگ جهانی اول و جنگ داخلی، تازه مسیر صنعتی شدن و نوسازی فنی را در پیش گرفته بود.

پیش‌بینی نظامیان و سیاستمداران در لندن و واشنگتن این بود که ورمخت هیتلر، که ارتش‌های قدرتمند پولند، یوگسلاوی و فرانسه را در عرض چند هفته و چند ماه شکست داده بود، ارتش سرخ را نیز تا پائیز وادار به تسلیم خواهد کرد.

اما این پیش‌گوییان اشتباه می‌کردند. مردم شوروی که هدف خود را غلبه بر عقب‌ماندگی صد ساله در ده سال تعیین کرده بودند (وگرنه چنان که ستالین هشدار داده بود: «ما را خرد خواهند کرد») این وظیفه فوق‌العاده دشوار را در مجموع به

انجام رساندند. اقتصاد جوان کشور شوروی مقاومت کرد و در نهایت پیروز شد. فولاد کروپ نتوانست در برابر فولاد مگنیتوگورسک و زاپسیب تاب بیاورد. ما پیرامون این تقابل اقتصادی در آستانه و در طول جنگ بزرگ میهنی صحبت خواهیم کرد.

المان نازی نقش آمادگی اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی برای جنگ را دست کم گرفت

اقتصاد سوسیالیستی در میان عوامل تعیین‌کننده پیروزی جهانی-تاریخی ما در جنگ بزرگ میهنی جایگاهی مرکزی داشت. در این اقتصاد، مزایا و امکانات پایان‌ناپذیر سوسیالیسم بروشنی آشکار شد. ۸۰ سال از پایان جنگ بزرگ میهنی می‌گذرد، اما مبارزه ایدئولوژیک پیرامون علل و ریشه‌های پیروزی اتحاد جماهیر شوروی بر المان فاشیستی هنوز فروکش نکرده است. ایدئولوگ‌های بورژوازی و حتی برخی از تاریخ‌نگاران خودخوانده داخلی ما به هر نحوی در تلاشند تا اهمیت برتری عینی سوسیالیسم بر سرمایه‌داری را کم‌اهمیت جلوه دهند. آنها می‌کوشند پیروزی مردم شوروی در جنگ بزرگ میهنی را با عوامل تصادفی، اشتباهات «مرگبار» و محاسبات نادرست رهبری فاشیستی توضیح دهند. انواع رزون‌ها، سوانیدزها، گوسمن‌ها^۱ و همکاران خارجی‌شان ادعا می‌کنند که: «از همه فرصت‌ها استفاده نشد»؛ که: «منابع اقتصادی المان کاملاً در خدمت آماده‌سازی تهاجم قرار نداشت» (آیا از این بابت افسوس می‌خورند؟). برخی دیگر بر توضیح این تئوری تأکید ویژه‌ای دارند که رهبری نظامی-سیاسی المان فاشیستی با «بی‌کفایتی اقتصادی»، اهمیت «نقش آماده‌سازی اقتصادی برای جنگ را دست‌کم گرفت».

هدف این دست از «تحقیقات»، تحریف روند واقعی رویدادها است. در حقیقت، این عوامل اجتماعی-اقتصادی بودند که در نهایت سرنوشت جنگ را رقم زدند. اقتصاد سوسیالیستی شوروی، مبتنی بر مالکیت عمومی بر ابزار تولید، با پایه‌های برنامه‌ریزی شده متکی بر قهرمانی توده‌های کارگری آزادشده از استثمار، همان پایه‌های مادی متضمن پیروزی مردم شوروی بر فاشیسم بودند.

ابعاد عظیم نبردهایی که از نخستین روزهای جنگ آغاز شد، و تلفات سنگینی که کشور متحمل گردید، نیازمند تأمین فوری حجم عظیمی از امکانات مادی برای جبهه‌ها بود: تسلیحات، مهمات، سوخت، مواد غذایی، البسه نظامی. هرگونه وقفه یا اختلال در تأمین این نیازمندی‌ها، پیامدهای فاجعه‌باری در پی داشت.

لازم بود تا صنعت، حمل و نقل و کشاورزی جهت تأمین نیازهای جنگ هر چه سریع‌تر تغییر جهت داده و بازسازی شوند. لازم بود تا دولت و ساختار اقتصادی بازسازی شوند، تولید محصولات نظامی در هزاران کارخانه سازماندهی و یک اقتصاد جنگی متحد و هماهنگ استقرار یابد.

بدیهی است که حتی در شرایط کنونی و با توجه به وضعیت بسیار پیچیده بین‌المللی که ماشین نظامی ناتو هر لحظه بیشتر به مرزهای روسیه نزدیک می‌شود و عملیات نظامی ویژه‌ای در جریان است، این مسأله همچنان از اهمیت بالایی برخوردار است.

اقتصاد المان نازی

با به قدرت رسیدن ناسیونال سوسیالیست‌ها در المان، آماده‌سازی اقتصاد برای به راه انداختن جنگی با هدف تسلط بر جهان آغاز شد. در حوزه صنعتی، هدف تقویت مواضع کنسرن‌هایی بود که به توسعه تولید نظامی علاقه‌مند بودند.

تولیدات نظامی در المان تا آغاز جنگ جهانی دوم نسبت به سال ۱۹۳۲، ۱۰ برابر افزایش یافته بود و مخارج بودجه نیز ۱۱ برابر شده بود. المان در آستانه جنگ از نظر حجم تولید صنعتی در جایگاه سوم جهان قرار داشت. سهم این

کشور در تولید صنعتی جهان به ۳/۱۳ درصد رسید، که پس از ایالات متحده (۷/۲۸٪) و اتحاد جماهیر شوروی (۶/۱۷٪) قرار می‌گرفت.

آلمان در سال ۱۹۳۹ در تولید تسلیحات و تجهیزات نظامی برتری خود نسبت به سایر کشورها را تثبیت کرد. اما برای هیتلر روشن بود که افزایش تسلیحات در طول یک جنگ طولانی تنها با تکیه بر منابع مواد خام و انسانی داخلی ممکن نیست.

خلاف ادعاهای امروزی برخی از ایدئولوگ‌های بورژوازی مبنی بر این که مثلاً رهبری فاشیست آلمان از اهمیت نقش آماده‌سازی اقتصادی برای جنگ غافل بود، در واقع آلمان تا آن زمان اقتصاد خود را کاملاً بر محور جنگ متمرکز کرده و ظرفیت صنعتی کشورهای عمده اروپائی را به جنگ آورده بود. آلمان تا سال ۱۹۴۱، ظرفیت تولید صنعت فولاد را به ۸/۱۱ میلیون تن و صنعت زغال سنگ را نزدیک به ۱۴۰ میلیون تن به هزینه کشورهای تحت اشغال و تابعه خود افزایش داد. تنها در فرانسه، چکسلواکی و بلجیم، نازی‌ها ۴۴ کارخانه هواپیماسازی، ۱۷ کارخانه موتورسازی و ده‌ها کارخانه نظامی دیگر را تصرف کردند. کارخانه‌های چکسلواکی به تنهایی قادر به تأمین انواع سلاح‌ها و تجهیزات جنگی برای ۴۰ تا ۴۵ لشکر بودند.

آلمان پیش از سال ۱۹۴۱ تجهیزات و سایر دارائی‌های مادی به ارزش ۹ میلیارد پوند را از سرزمین‌های اشغال شده به جنگ آورد. این مبلغ بسیار فراتر از درآمد ملی سالانه این کشور پیش از جنگ بود. آلمان نازی در طول جنگ، بیش از یک‌پنجم تولیدات صنعتی و بیش از ۲۰ درصد نیازهای خود در مواد خام حیاتی و مواد غذایی را از سرزمین‌های اشغالی تأمین می‌کرد. مقدار قابل توجهی سنگ آهن، فلزات آلیاژی و سایر محصولات نیز از کشورهای وارد می‌شد که در جنگ شرکت نداشتند.

بدین ترتیب، آلمان مدت‌ها پیش از حمله به اتحاد جماهیر شوروی، بسیج نظامی اقتصاد خود را به انجام رسانده و قدرتمندترین اقتصاد جنگی در جهان سرمایه‌داری را به وجود آورد. و همه این‌ها کاملاً در خدمت تهاجم قرار گرفت. این کشور تولید انبوه تسلیحات و تجهیزات نظامی مدرن را سازمان داد. طی دوره ۱۹۳۸ تا ۱۹۳۹، تولید تجهیزات نظامی و سایر امکانات مادی برای ارتش بیش از ۱۲ برابر افزایش یافت. آلمان ۵/۲ برابر بیشتر از مجموع ایالات متحده و انگلیس سلاح تولید می‌کرد و منابع اقتصادی تقریباً تمام کشورهای اروپائی را در اختیار داشت.

اتحاد شوروی: تمرکز اصلی روی دفاع

در شرایط افزایش تهدید جنگ، هدف اصلی سیاست حزب و دولت شوروی، معطوف به توسعه بخش‌های صنعتی دفاعی بود. در طول سه سال از برنامه پنج ساله سوم، ۶/۱۵ میلیارد روبل، معادل یک‌چهارم کل سرمایه‌گذاری در صنعت، به سرمایه‌گذاری در این بخش از صنایع تزریق شد. در نیمه اول سال ۱۹۴۱، تولیدات نظامی نسبت به سال ۱۹۳۷، چهار برابر افزایش یافت. بخش‌های مختلف نیروهای مسلح شروع به دریافت سلاح‌ها و تجهیزات نظامی نوساخت داخل کشور کردند.

در جنوری ۱۹۴۱، کمیساریای صنایع دفاعی خلق به چهار کمیساریای جداگانه تقسیم شد: صنایع هواپیماسازی، کشتی‌سازی، تسلیحات و مهمات. در این میان، اهمیت ویژه‌ای به صنعت هوانوردی داده شد. در سپتامبر ۱۹۳۹، دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب سراسری کمونیست (بلشویک) قطعنامه «در مورد بازسازی کارخانه‌های موجود هواپیماسازی و ساخت کارخانه‌های جدید» را تصویب کرد. طی سال‌های ۱۹۴۱-۱۹۴۰، برای ایجاد ۹ کارخانه جدید و بازسازی ۹ کارخانه قدیمی، عمدتاً در منطقه ولگا، برنامه‌ریزی شد. پیش‌تر نیز قطعنامه‌ای تحت عنوان «توسعه

کارخانه‌های موتور هواپیما» تصویب شده بود. در نتیجه، با بازسازی بنیادین صنعت هوانوردی شوروی، ملزومات تولید انبوه ماشین‌های جنگی جدید فراهم شد.

در سال ۱۹۴۰ تولید انبوه انواع جدید هواپیما آغاز شد. در نیمه اول سال ۱۹۴۱، ۲۷۰۷ فروند هواپیمای میگ ۳، یک ۱-، لاگ ۳-، پی ۲-، و ایل ۲- به نیروهای نظامی تحویل داده شد. در پایان جون ۱۹۴۱، صنعت هوانوردی روزانه بیش از ۵۰ ماشین جنگی جدید تولید می‌کرد.

صنعت تانک‌سازی نیز رشد چشمگیری داشت. در جون ۱۹۴۰، دفتر سیاسی کمیته مرکزی برای تولید تانک در کارخانه تراکتورسازی چلیابینسک تصمیم گرفت. دیگر کارخانه‌های بزرگ، از جمله غول صنعتی مجتمع تراکتورسازی ستالینگراد، نیز به فرایند ساخت تانک پیوستند. در نتیجه تا تابستان ۱۹۴۱، ظرفیت تولیدی صنعت تانک‌سازی شوروی یکونیم برابر ظرفیت صنعت تانک‌سازی آلمان شد.

در آستانه جنگ، مهندسان شوروی پیشرفته‌ترین تانک‌های آن زمان -تانک متوسط T-34 و تانک سنگین KV را طراحی و وارد خط تولید انبوه کردند، که از نظر بسیاری از ویژگی‌های رزمی خود از تمام تانک‌های خارجی، از جمله تانک‌های آلمانی، پیشی گرفتند.

توسعه توپخانه نیز در کانون توجه قرار داشت. در آستانه جنگ، راکت‌اندازهای افسانه‌ای «کاتیوشا» طراحی و آزمایش شدند که در طول سال‌های جنگ کبیر میهنی به شهرت جهانی رسیدند.

ساخت بزرگ‌ترین مجتمع تولید مهمات کشور در سیبری آغاز شد. این مجتمع تا سال ۱۹۴۱ در مقایسه با سال ۱۹۴۰، قادر به تولید سه‌برابری مهمات خود شد.

همزمان با توسعه صنایع نظامی، اقداماتی برای آماده سازی اقتصاد ملی جهت بازسازی نظامی و افزایش تاب‌آوری اقتصاد انجام شد. دومین پایگاه نظامی صنعتی با سرعت بالایی در منطقه ولگا، اورال و سیبری ایجاد شد. ساخت یک پایگاه نظامی صنعتی در خاور دور نیز در جریان بود. تا تابستان ۱۹۴۱، تقریباً یک‌پنجم کل کارخانه‌های نظامی در مناطق شرقی مستقر شده بودند. ساخت بسیاری از کارخانه‌ها (علاوه بر تأسیسات نظامی) و فعالیت شاخه‌های صنعتی تولید کالاهای غیرنظامی به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده بود که در صورت نیاز به سرعت به تولید کالاهای نظامی تغییر جهت دهند.

بنگاه‌های بزرگ صنعتی، برای شرایط جنگ، طرح‌های بسیج نظامی داشتند. کارگاه‌های ویژه تولید نظامی در تعدادی از کارخانه‌ها ایجاد شد. استفاده از تأسیسات غیرنظامی در زمان صلح برای تولید محصولات نظامی، نه تنها برای افزایش توان دفاعی کشور اهمیت داشت، بلکه این کارخانه‌ها با اجرای سفارشات ویژه نظامی، نیروی انسانی لازم را آموزش داده و تجربه کسب می‌کردند. امری که امکان تغییر جهت سریع و بدون تأخیر آنها به سمت تولیدات جنگی را از همان روزهای نخست جنگ فراهم می‌کرد.

توان دفاعی کشور تا حد زیادی به وضعیت حمل و نقل بستگی داشت. تا سال ۱۹۳۹، اتحاد جماهیر شوروی در مناطق مرزی قدیمی، از نظر ظرفیت حمل و نقل ریلی ۵/۲ برابر دشمن برتری داشت. مناطق برای تخلیه تانک‌ها و توپخانه سنگین با تجهیزات مجهز و مناسب آماده شده بود. در مجموع تا سال ۱۹۴۱، سیستم حمل‌ونقل اتحاد جماهیر شوروی مدرنیزه شد و به‌طور کامل برای بازتولید سوسیالیستی و نیازهای دفاعی کشور آماده گردید. همه این عوامل و بسیاری موارد دیگر، مخالفان ایدئولوژیک ما را، که تا امروز نیز با ادعاهای دروغین درباره «آماده نبودن» اقتصاد شوروی برای جنگ با آلمان هیتلری سخن می‌گویند، رسوا می‌کنند.

همه چیز برای جبهه! همه چیز برای پیروزی!

از نخستین روزهای جنگ، برنامه‌ای برای بسیج تمام نیروهای مردمی شوروی برای مبارزه با دشمن تدوین شد. این برنامه در دستورالعمل شورای کمیساریای خلق اتحاد جماهیر شوروی و کمیته مرکزی حزب کمونیست سراسری اتحاد جماهیر شوروی (بلشویک) در ۲۹ جون ۱۹۴۱ تنظیم شد. در این سند آمده بود: «اکنون همه چیز به توانایی ما در سازماندهی سریع و اقدام بی‌وقفه، بدون از دست دادن یک دقیقه و از کف دادن هیچ فرصتی در نبرد با دشمن بستگی دارد.»

جنگ علیه متجاوزان فاشیست برآستی به یک جنگ واقعی میهنی تبدیل شد. تحت شعار حزب «همه چیز برای جبهه! همه چیز برای پیروزی!»، کشور به یک اردوگاه جنگی یک پارچه و قدرتمند مبدل گردید. حلقه اصلی این تلاش عظیم، بازسازی صنعت بود. پراودا در آغاز جنگ نوشت: «صنعت، پایه فنی و مادی جبهه است. اکنون نمی‌توان هیچ «کارخانه صلح‌آمیز»ی داشت. هر کارخانه، هر کارگاه باید برای رفع نیازهای جنگ کار کند.»

بازسازی اقتصاد کشور در شرایط بسیار دشواری باید انجام می‌شد. در نتیجه اشغال موقت بخش غربی اتحاد جماهیر شوروی - که از نظر نظامی و اقتصادی حیاتی بود - اقتصاد کشور ما تا پائیز ۱۹۴۱ در وضعیت بسیار دشواری قرار گرفت. در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی که تا نومبر ۱۹۴۱ توسط دشمن اشغال شد، حدود ۴۰ درصد از جمعیت کشور ساکن بودند؛ ۶۳ درصد زغال سنگ استخراج می‌شد، ۶۸ درصد چدن، ۵۸ درصد فولاد ذوب می‌شد و ۶۸ درصد آلومینیوم تولید می‌گردید. تا اکتوبر همان سال، ۳۰۳ کارخانه صنعتی که بیش از ۸ میلیون گلوله توپ، حدود ۳ میلیون مین، ۲ میلیون بمب هوایی و ۵/۲ میلیون نارنجک دستی در ماه تولید می‌کردند، از دست رفت. پنج کارخانه از هشت کارخانه باروت نیز فعالیت خود را متوقف کردند.

اما سخت‌ترین دوره برای اتحاد جماهیر شوروی پائیز ۱۹۴۱ بود که نبرد مسکو در جریان بود. تولیدات نظامی در ماه‌های اکتوبر و نومبر این سال به پائین‌ترین سطح خود رسید. این امر باعث بروز مشکلات فوق‌العاده‌ای در تأمین تسلیحات، تجهیزات جنگی، مهمات، البسه و لوازم نظامی برای جبهه‌های نبرد شد.

در این شرایط، اقدامات قاطعانه انجام‌شده در آغاز جنگ برای انتقال صنایع از مناطق در معرض خطر به عمق پشت جبهه کشور، نقش عظیمی در اجرای برنامه گسترش تولیدات نظامی و تأمین نیازهای جبهه ایفا کرد. تنها در جولای تا نومبر ۱۹۴۱، تعداد ۱۵۲۳ کارخانه، شامل ۱۳۶۰ کارخانه بزرگ عمدتاً نظامی از مناطق نزدیک به جبهه به مناطق امن منتقل شدند.

تاریخ انتقال صنایع به شرق کشور سرشار از نمونه‌هایی از قهرمانی مردم شوروی است که اغلب زیر آتش دشمن، تجهیزات بزرگترین کارخانه‌ها را نجات می‌دادند. برای مثال، در جریان نبردهای شدید در منطقه گومل، کارخانه عظیم «گومسلاش» - بزرگترین کارخانه بلاروس - در طول سه روز به مناطق امن منتقل شد. در عرض پانزده روز، تمام تجهیزات بزرگترین کارخانه ماشین‌سازی «کراسنی پرولتاری» (پرولتاریای سرخ) مسکو، برای انتقال به شرق آماده شد.

در این دوران دشوار، ویژگی‌های اخلاقی والای مردم شوروی آشکارا نمایان شدند. قهرمانی در کار پشت جبهه - هنگام راه‌اندازی صنایع منتقل‌شده - کمتر از قهرمانی در خط مقدم نبود. تجهیزات در بازه‌های زمانی باورنکردنی کوتاهی به‌صورت شبانه‌روزی تخلیه و نصب می‌شدند. برای نمونه، در ۱۰ دسمبر ۱۹۴۱، در چهاردهمین روز پس از رسیدن آخرین قطار حامل تجهیزات بزرگترین کارخانه هواپیماسازی کشور که به منطقه ولگا منتقل شده بود، نخستین جنگنده خود را تولید کرد.

همه این اقدامات امکان ارتقای چشمگیر توان نظامی-اقتصادی در مناطق شرقی را فراهم کرد. تولید گسترده تجهیزات جنگی در این مناطق آغاز شد و تا دسمبر ۱۹۴۱ بر رکود تولید نظامی غلبه کرد. تا اواسط سال ۱۹۴۲، اقتصاد کشور بر اساس الگوی جنگی بازسازی شد و سپس اتحاد جماهیر شوروی در تولید انواع تجهیزات رزمی حیاتی از آلمان فاشیستی پیشی گرفت.

اقتصاد جنگ در سال‌های جنگ

در جولای ۱۹۴۲، اوضاع در جبهه ناگهان بشدت وخیم شد: نیروهای هیتلری به ولگا و قفقاز نفوذ کردند. در قلمرو شوروی، دشمن موفق شد تعدادی از منابع جدید صنعتی، انرژی، مواد خام و غذایی را به تصرف خود درآورد. کشور و ارتش بار دیگر متحمل خسارات سنگینی از نظر نیروی انسانی، تسلیحات، دارائی‌های مادی و منابع تولیدی شدند. وضعیت به دلیل این واقعیت پیچیده‌تر شد که تا این زمان بخشی از مواد ستراتیژیک مهم از ذخایر ایجاد شده در سال‌های پیش از جنگ، به میزان قابل توجهی مصرف شده بود. همه این‌ها، وضعیت را در رویارویی اقتصادی با آلمان فاشیست بشدت پیچیده کرد.

در ۲۸ جولای ۱۹۴۲، ستالین در مقام کمیسر دفاع خلق اتحاد جماهیر شوروی، فرمان شماره ۲۲۷ «نه یک قدم به عقب!» را امضاء کرد. این فرمان قرار بود به‌عنوان یکی از سختگیرانه‌ترین و قاطعانه‌ترین دستورالعمل‌های دوران جنگ در تاریخ دولت شوروی ثبت شود. بدون شک، شرایط در جبهه‌ها نیازمند اتخاذ اقدامات قاطعانه برای برقراری نظم و انضباط شدید در نیروها بود. بنابراین، این سند تاریخی باید در پیوند تنگاتنگ با اوضاع پیش‌آمده که مسأله موجودیت کشور ما را به‌طور واقعی به خطر انداخته بود، ارزیابی شود.

ستالین نوشت: «هر فرمانده، سرباز ارتش سرخ و فعال سیاسی باید درک کند که امکانات ما بی‌پایان نیست. قلمرو دولت شوروی صحرای بی‌آب و علفی نیست، سرزمین شوراها یعنی مردم: کارگران، دهقانان، روشنفکران، پدران، مادران، همسران، برادران و فرزندان ما. قلمرو اتحاد جماهیر شوروی که دشمن اشغال کرده یا به دنبال تصرف آن است، تأمین‌کننده نان و دیگر محصولات برای ارتش: فلزات و سوخت برای صنعت، کارخانه‌ها و کارگاه‌های تأمین‌کننده سلاح و مهمات، و راه‌های آهن است. با از دست دادن اوکراین، بلاروس، منطقه بالتیک، دونباس و سایر مناطق، قلمرو ما کوچک‌تر شده است، در نتیجه نیروی انسانی، نان، فلزات، کارخانه‌ها و تأسیسات صنعتی ما کمتر شده‌اند. ما بیش از ۷۰ میلیون نفر از جمعیت، بیش از ۸۰۰ میلیون پود نان در سال، و بیش از ۱۰ میلیون تن فلز در سال را از دست داده‌ایم. اکنون دیگر نه در ذخایر انسانی و نه در ذخایر نان بر آلمان‌ها برتری نداریم. عقب‌نشینی بیشتر به معنای نابودی خود و میهن‌مان است. رها کردن هر وجب از سرزمین ما، به معنای تقویت چشمگیر دشمن و تضعیف نیروی دفاعی و میهن ما به همان میزان است.»

روز و شب در پشت جبهه سلاح ساخته می‌شد. قطارهای مملو از سربازان، تجهیزات نظامی، مهمات، سوخت و مواد غذایی به طور منظم و پیوسته به جبهه می‌رفتند. در مقابله اقتصادی با آلمان و متحدانش، کار قهرمانانه ده‌ها میلیون انسان، نیروی محرکه قدرتمندی از سوی ما بود.

در کارخانه‌ها، معادن، صنایع و راه‌های آهن، جنبش «دویست درصدی‌ها» گسترش یافت؛ یعنی کارگران روزانه دو برابر سهمیه یا بیشتر تولید می‌کردند. مردم آنها را «گارد پشت جبهه» نام دادند و شاعری جملات زیر را در وصف آنها سرود:

گاردهای خط مقدم جبهه، دیواری فولادین!

میهن آنها را می‌شناسد، دوست‌شان دارد،

و قدردان‌شان است.

پشت جبهه، نیروئی نه کمتر؛

گارد‌های بی‌پاک پشت جبهه!

صنایع نظامی شوروی در کمترین زمان ممکن، تولید انواع تجهیزات و سلاح‌های جنگی را تضمین کرد. تا آغاز سال ۱۹۴۳، واحدهای تانک شوروی به‌طور کامل به تانک‌های T-34 مجهز شدند. تولید تانک‌های خمپاره‌انداز و سایر انواع تسلیحات افزایش یافت. نزدیک به ۱۵۰ هزار توپ و خمپاره‌انداز، بیش از ۱۱ هزار تانک، ۸ هزار هواپیمای جنگی و حدود ۵۰ میلیون گلوله توپ و مین تولید شد.

تا پایان سال ۱۹۴۳، ارتش شوروی از نظر همه ابزارهای رزمی بر آلمان فاشیستی برتری یافت. در سال پیروزی ۱۹۴۵، تعداد تانک‌ها و ماشین‌های خمپاره‌انداز به ۹۰۰،۱۲ واحد در مقابل ۳،۹۵۰ واحد، توپ‌ها و خمپاره‌اندازها به ۱۰۸ هزار در مقابل ۲۸ هزار و ۵۰۰، و هواپیماها به ۱۵،۵۴۰ در مقابل ۱۹۶۰ واحد دشمن رسید. در نتیجه رشد کمی و کیفی تولیدات نظامی در اتحاد جماهیر شوروی و همچنین تلفات عظیم دشمن در میدان‌های نبرد، توازن قدرت نظامی بین شوروی و آلمان فاشیستی به‌طور چشمگیری به نفع اتحاد جماهیر شوروی تغییر کرد.

این جنگ از نظر فنی و اقتصادی، جنگ ماشین‌ها بود. این که سلاح‌های رزمی ما در بسیاری از ویژگی‌های تاکتیکی و فنی بر سلاح‌های آلمان نازی پیشی گرفتند، پیش از همه مدیون دانشمندان، طراحان و مهندسان شوروی بودیم. یک واقعیت قابل توجه این که، ورمخت در طول جنگ سه بار طراحی تانک‌های خود را تغییر داد، با این حال، نتوانست به قدرت جنگی ماشین‌های شوروی دست یابد: تانک T-34 ما همچنان بهترین تانک متوسط جهان باقی ماند. بدین ترتیب، یک سال پس از شروع جنگ، بازسازی صنعتی عمده‌تاً تکمیل شد و بخش بزرگی از کارخانه‌های نظامی منتقل شده به شرق به بهره‌برداری رسیدند. در نیمه دوم سال ۱۹۴۲، فرآیند ایجاد یک اقتصاد جنگی هماهنگ تکمیل شد. اتحاد جماهیر شوروی در دشوارترین مرحله جنگ، به نخستین پیروزی بزرگ اقتصادی خود در نبرد با آلمان فاشیستی دست یافت. این پیروزی، از بسیاری جهات، نویددهنده شکست کامل ارتش نازی و تسلیم بی‌قید و شرط آلمان هیتلری در ماه می ۱۹۴۵ بود.

پیروزی در جنگ کبیر میهنی به دلیل ظرفیت چشمگیر نظامی و اقتصادی دولت سوسیالیستی ما، ثبات سیاسی جامعه، همبستگی عمیق معنوی، شجاعت و از خودگذشتگی مردم شوروی که برای دفاع از میهن خود برخاستند، امکان پذیر شد. این در مستحکم و متحد انسانی بود که سپاهیان آلمان فاشیستی و متحدانش را درهم شکست.

* دانشیار، نامزد علوم اقتصادی، سرهنگ جانباز رزمی، مدرس ارشد سابق آکادمی دیپلماتیک نظامی (آکادمی ستاد کل نیروهای مسلح روسیه).

Rezuns, Svanidzes, Gozmans^۱.

منبع: پرودا، ۱۷-۱۴ مارچ ۲۰۲۵

دانش و امید، شماره ۲۹، اردیبهشت- ثور - ۱۴۰۴